


The Place of Revelation Teachings in Palliative Medicine

Mehdi Zarvandi (M.D, Ph.D)*¹ 

¹ Ph.D. in Persian Medicine, Department of Traditional Persian Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

Abstract

According to the definition of the World Health Organization, palliative care - which is a type of complementary medicine - is an approach that improves the quality of life of patients and their families in the face of problems related to threatening diseases such as cancer. The main goal in palliative care is to give meaning to life and dignity to the patient's life until its end, an important part of which is done through the prevention and relief of suffering and mental and spiritual problems. In fact, the most important issue for people suffering from incurable diseases is maintaining peace, reducing stress and providing spiritual health. The purpose of this review article - which was done by examining the verses of the Quran and authentic religious traditions in this field - is to identify and apply the teachings of revelation in the category of palliative medicine. Teachings such as the correct understanding of man, the philosophy of illness and calamities, the virtue of patience over illness, compromise with pain, strengthening the spirit of piety, prayer, supplication and forgiveness, and paying attention to the origin and resurrection are among the categories that can be taught properly to specialists in this field facilitated access to the goals of palliative medicine, including resilience and improving the quality of life of patients and their families.

Keywords: Revelation Teachings, Palliative Medicine

*Corresponding Author: Mehdi Zarvandi (M.D, Ph.D), E-mail: dr.zarvandi@goums.ac.ir & leg_med_ny@yahoo.com, Tel: +98(17)32452653

Cite this article as: Zarvandi M. [The Place of Revelation Teachings in Palliative Medicine]. The First National Seminar of Islam and Health. Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran. Oct 2023. J Gorgan Univ Med Sci. 2023; Special Issue: 27-35. [Persian]

جایگاه آموزه‌های وحیانی در طب تسکینی

دکتر مهدی زروندی*^۱ 

^۱ دکترای تخصصی طب سنتی ایرانی، گروه طب ایرانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

چکیده

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، طب تسکینی (Palliative care) - که نوعی طب مکمل بشمار می رود- رویکردی است که باعث بهبود کیفیت زندگی بیماران و خانواده های آنها در مواجهه با مشکلات مربوط به بیماری های تهدید کننده مانند سرطان می شود. هدف عمده در مراقبت تسکینی، دادن معنا و مفهوم به زندگی و شأن و منزلت به زندگی بیمار تا پایان آن است که بخش مهمی از آن از طریق پیشگیری و تسکین رنج و مشکلات روانی و معنوی انجام می پذیرد. در حقیقت مهم ترین موضوع برای افراد مبتلا به بیماری های صعب العلاج و ناعلاج، حفظ آرامش، کاهش استرس و تامین سلامت معنوی است. هدف این مقاله مروری- که با بررسی آیات قرآن و روایات معتبر دینی در این زمینه انجام پذیرفته است- شناسایی و بکارگیری آموزه های وحیانی در مقوله طب تسکینی می باشد. آموزه هایی همچون شناخت صحیح انسان، فلسفه بیماری و بلاها، فضیلت صبر بر بیماری، سازش با درمندی، تقویت روحیه تقوی و پرهیزکاری، نیایش، دعا و استغفار و توجه به مبدا و معاد از جمله مقولاتی است که می توان با آموزش صحیح آنها به متخصصین این حوزه، دسترسی به اهداف طب تسکینی- از جمله تاب آوری و بهبود کیفیت زندگی بیماران و خانواده های ایشان- را تسهیل نمود.

واژه‌های کلیدی: آموزه های وحیانی، طب تسکینی

* نویسنده مسؤول: دکتر مهدی زروندی، پست الکترونیکی: dr.zarvandi@goums.ac.ir و leg_med_ny@yahoo.com

نشانی: گرگان، بلوار هیرکان، مجموعه آموزش عالی فلسفی، دانشکده پزشکی، گروه طب ایرانی، تلفن ۰۱۷-۳۲۴۲۵۶۵۳

پیشگیری و تسکین رنج، شناسایی زود هنگام و ارزیابی و درمان بی‌عیب و نقص درد و سایر مشکلات بهبود می‌بخشد. جسمانی، روانی اجتماعی و معنوی^(۱). در تعریف فوق هیچ محدودیتی در زمان مداخله یا محدودیتی برای تشخیص یا پایان زندگی وجود

مقدمه

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی؛ «مراقبت تسکینی، رویکردی است که کیفیت زندگی بیماران و خانواده‌هایشان را که با مشکلات مرتبط با بیماری‌های تهدیدکننده زندگی مواجه هستند، از طریق

توانایی مقابله موثر را بهبود بخشد. ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی درگیر در مراقبت تسکینی ممکن است شامل پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مشاوران معنوی، داوطلبان، داروسازان و درمانگران سنتی باشند که هر کدام می توانند نقش مفیدی داشته باشند. در این بین نقش مشاور معنوی اغلب گوش دادن است، برای تسهیل یادآوری گذشته و افزایش آمادگی برای آنچه در پیش است. مشاور معنوی باید شنونده ای ماهر و بدون قضاوت باشد و بتواند به سوالات مرتبط با معنای زندگی رسیدگی کند. چنین سوالاتی همیشه برای بیماران و خانواده های آنها ایجاد می شود. مشاور معنوی همچنین اغلب به عنوان یک محرم و منبع حمایت برای کسانی که دارای سنت مذهبی هستند عمل می کند و مناسک مذهبی و عبادات مذهبی را سازماندهی می کند که برای آنها معنادار است. لذا مشاوران معنوی باید در زمینه مراقبت از پایان زندگی آموزش های لازم را دریافت کنند(۹).

به این منظور هدف این مقاله مروری که با بررسی و تحلیل گزاره های نقلی دینی (آیات قرآن و روایات معتبر معصومین علیهم السلام) در این زمینه انجام پذیرفته است؛ شناسایی، معرفت افزایی و بکارگیری آموزه های وحیانی بویژه توسط مشاورین معنوی در مقوله طب تسکینی می باشد.

روش بررسی

این مطالعه از نوع کیفی به روش توصیفی- تحلیلی است که به صورت هدفمند و با معیارهای معین از جمله مرجع بودن منابع، دارا بودن مباحث مرتبط با موضوع و کاربرد بودن، آیات و روایات مربوط به تعریف دقیق انسان، فلسفه بیماری، اهمیت تقوی، دعا و استغفار در شرایط سخت و بیماری، از طریق جستجو در کتاب های معتبر تفسیری و روایی از جمله؛ تفاسیر موضوعی و ترتیبی تسنیم حضرت آیه الله جوادی آملی، جامع الاحادیث، مفاتیح الحیاه و مجموعه دانشنامه احادیث طبی و پایگاه های اطلاعات علمی داخلی و بین المللی شامل SID و PubMed، Google scholar، استخراج می گردد. اطلاعات مربوط به تحقیق غالباً از کتب و مقالات مربوطه استخراج و به صورت دستی فیش برداری و بر اساس الگوی معین، دسته بندی و نهایتاً با بازخوانی مطالب، محتوای مطالعه مورد تحلیل قرار می گیرد. برای ارزیابی صحت و سقم روایات، از دانش فقه الحدیث نیز بهره گیری شده است.

یافته ها

در آیات قرآن و روایات معتبر دینی گزاره های مهم و ارزشمندی درباره مسائلی همچون؛ منافع شناخت صحیح انسان، فلسفه بیماری و بلاها، فضیلت صبر بر بیماری، ارزش سازش با دردمندی، اهمیت و نقش تقوی، نیایش و دعا، استغفار در مقابله با بیماری ها، گرفتاری ها و سایر شرایط سخت، به چشم می خورد که به گزیده ای از آنها در

ندارد، اما مراقبت مربوط به هر فردی است که یک بیماری تهدید کننده زندگی دارد. با این حال، در طول ۵۰ سال گذشته که مراقبت های تسکینی توسعه یافته است، تاکید بر مراقبت از افراد مبتلا به سرطان و تا پایان عمر بوده است - همانطور که در استرالیای غربی نشان داده شده است که در آن ۶۸٪ از افرادی که به دلیل سرطان می میرند، مراقبت های تسکینی تخصصی دریافت کردند، در حالی که فقط ۸ درصد از کسانی که به دلیل شرایط غیر سرطانی جان خود را از دست دادند، این کار را انجام دادند(۲). بنابراین مراقبت تسکینی یک مراقبت پزشکی تخصصی برای افراد مبتلا به بیماری های جدی است. تمرکز آن بر تسکین بیماران از علائم، درد و استرس یک بیماری جدی است - هر تشخیصی که باشد. به همین دلیل، مراقبت تسکینی یک تخصص مراقبت های بهداشتی است که هم فلسفه مراقبت و هم یک سیستم سازمان یافته و بسیار ساختار یافته برای ارائه مراقبت است(۳). که هدف از آن، تسکین رنج و بهبود کیفیت زندگی بیماران مبتلا به بیماری های پیشرفته و خانواده های آنها است. این رویکرد مبتنی بر رویکردی بین رشته ای است که همزمان با سایر درمان های پزشکی مناسب ارائه می شود و شامل توجه دقیق به نیازها و اهداف عاطفی، معنوی و عملی بیماران و افراد نزدیک به آنها است(۴). در خط مقدم مراقبت بیمار محور، مراقبت تسکینی با حمایت از هدف های بیمار و خانواده برای آینده، از جمله امیدواری آنها به درمان یا افزایش طول عمر و همچنین آسایش و کنترل (درد)، زندگی را تثبیت می کند(۵).

شواهد فزاینده، اما محدودی وجود دارد مبنی بر اینکه دخالت مراقبت تسکینی زودتر در پیشرفت بیماری، ممکن است منجر به بهبود کیفیت زندگی، مدیریت علائم، درمان کمتر تهاجمی در پایان زندگی و شاید بقا شود(۶). در مجموع؛ ارزش تأثیرات مراقبت تسکینی مشتمل بر؛ بهبود رضایت بیمار و خانواده با مراقبت، کاهش نرخ پذیرش مجدد ۳۰ روزه، کاهش استفاده از ICU. می باشد. ضمن اینکه می تواند ۹ تا ۲۵ درصد از هزینه ها را برای هر اقامت بستری از طریق ترکیبی از مدت اقامت کوتاهتر و کاهش هزینه در روز صرفه جویی کند(۷). به عنوان مثال، برای بیمارستانی با اندازه متوسط که در سال ۵۰۰ مراقبت تسکینی مشاوره انجام می دهد، این به معنای صرفه جویی بیش از ۱٫۶ میلیون دلار در سال است. همچنین مراقبت تسکینی کیفیت مراقبت های بهداشتی را در سه حوزه بهبود می بخشد: تسکین درد و رنج جسمی و عاطفی. بهبود و تقویت فرآیند ارتباط بیمار و پزشک و تصمیم گیری؛ و اطمینان از تداوم هماهنگی مراقبت در چندین بخش مراقبت های بهداشتی - بیمارستان، خانه، آسایشگاه و مراقبت های طولانی مدت(۸). به این ترتیب، خدمات مراقبت تسکینی که نیازهای بیماران و خانواده های آنها را از زمان تشخیص برطرف می کند، می تواند کیفیت زندگی و

بار می یابد معلوم می شود، سیر در اوصاف نفسانی هم سیر آفاقی است نه سیر انفسی (۱۵).

بنابراین، اهمیت معرفت نفس و خودشناسی باعث می شود که انسان بفهمد، خدای کریم به انسان هم کرامت داده و هم فضیلت. به عبارت دیگر ذات اقدس الهی افزون بر تکریم انسان وی را بر بسیاری از موجودات برتری داده یعنی هر چیزی که به آنها داده شده بیشترش به انسان عطا شده و ممکن است چیزی به انسان داده باشد که اصلاً اندکی از آن به حیوان نداده باشد (۱۶). «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء/۷۰)، «و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً» (جاثیه/۱۳)، «الذی احسن کل شیء خلقه» (سجده/۷)، «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (تین/۴)، «و صوّرکم فأحسن صوّرکم» (تغابن/۳).

فلسفه بیماری و بلاها: در دیدگاه جهان بینی دینی، اساس عالم خلقت بر خودشناسی، تربیت، تزکیه و تکامل انسان استوار و بنا گزارده شده است و تنها با امتحان است که استعدادهای انسان شکوفا و کمالهای او از قوه به فعلیت می رسد. البته آزمونها به لحاظ گونه گونی استعدادهای و کمالها، متفاوت است. به عبارت دیگر، در ابتلای به سختیها و کمبودها، صابران، و در آزمون به رفاه و آسایش، شاکران شناخته می شوند (۱۷). در این خصوص از پیامبر اکرم (ص) منقولست: «إِنَّ الْمَرَضَ يَنْقِي الْجَسَدَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا يَذْهَبُ الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ» (۱۸). همانا ابتلا به بیماری بدن را از آلودگی به گناهان پاک می کند همانطور که کوره آهنگر کثافات و ناخالصی های آهن را از بین می برد. همچنین می فرمایند: «إذا رأيت العبد ألم الله به الفقر و المرض فان الله يريد ان يصفیه» (۱۹). هنگامی که دیدید خداوند تنگدستی و بیماری را بر بنده ای فرود آورد، می خواهد او را خالص گرداند. و در جای دیگر بیان می کنند: «مؤمن به اندازه ایمانش و خوش کردارش بلا می کشد. هر که ایمانش درست و کردارش خوبست، بلایش سخت است و هر که ایمانش پست و کردارش سست استف بلایش اندک است» (۲۰). امیرالمؤمنین (ع) نیز می فرمایند: «ان الله اذا احب عبدا ابتلاه لیسع تضرعه» (۲۱). همانا چنانچه خداوند بخواهد به بنده ای محبت بورزد و یا اظهار دوستی کند، او را مبتلا می کند (به مصائب و دردمندیها) تا صدای تضرع و ناله او را بشنود (و بدین وسیله نظر عفو، مغفرت و رحمت خود را مشمول حال وی نماید). از رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نيز روايت شده برای بیمار، چهار ویژگی است: قلم تکلیف از او برداشته می شود؛ خداوند به فرشته فرمان می دهد که همه پاداش آنچه را در دوران تن درستی خویش انجام می داده است، برایش می نویسد؛ بیماری وی بر همه اندام هایش گذر می کند و گناهانش را از آنها بیرون می برد؛ اگر بمیرد، آمرزیده می میرد و اگر زنده بماند،

ذیل اشاره می گردد.

منافع شناخت صحیح انسان: خدای انسان آفرین، آدمی را فطرتاً «حی مثاله» آفریده، یعنی، زنده ای که الهی می اندیشد و زندگی او در اعتقاد به معارف توحیدی خلاصه می شود؛ نه حیوان ناطق (۱۰). و به این جهت انسان حقیقی را کسی معرفی می کند که در محدوده حیات حیوانی و طبیعی نایستد. حتی انسانیت خویش را تنها به نطق یا تفکر محدود نکند، بلکه باید حیات الهی و جاودانی و تاله و خدا خواهی فطری خویش را به فعلیت برساند و همچنان در سیر بی انتهای تاله گام بر دارد و مراحل تکامل انسان را تا مقام خلافت و مظهریت اسمای حسنی الهی و تخلق به اخلاق الله ببیند (۱۱). از این خاطر معرفت نفس یا خودشناسی در معارف دینی، جزو مهمترین معارف و علوم شمرده می شود. «معرفه النفس انفع المعارف» (۱۲). خودشناسی (جزو) سودمندترین معرفتهای الهی است. همچنین امیرالمؤمنین (ع) خودشناسی را مقدمه خداشناسی می داند و بیان می کند کسی که خود را شناخت پس به تحقیق چنین فردی (سابقاً) پروردگارش را شناخته است. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (۱۳). امام رضا (ع) نیز برترین نقطه خرد ورزی و تعقل، را شناخت انسان نسبت به نفس خویش برمی شمرد. «افضل العقل معرفه الانسان نفسه» (۱۴).

در قرآن کریم نیز در ذیل برخی آیات به این مهم اشاره شده است به عنوان مثال انجا که می فرماید؛ «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/۵۳). بزودی (با پیشرفت علم) آیات (عظمت و قدرت) خویش را در آفاق (بعد طبیعی وجود آدمی) و در انفس شما (بعد روحانی وجود آدمی) نشانان خواهیم داد تا برای شما روشن و آفتابی گردد که براستی تنها خداوند حقیقت محض است.

و یا در جای دیگر خداوند می فرماید؛ «أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ اَجَلٍ مُّسَمًّى وَ اِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَاْفِرُونَ» (روم/۸). آیا در پیگوه وجودی خویش تفکر نمی کنید (تا دریابید) که خداوند آسمانها (ابعاد ملکوتی و روحانی وجود انسان) و زمین (بعد جسمانی و مادی وجود آدمی) و ماسوای آنها را جز به حق (و بنا بر حکمت و مصلحتی که در این کار بوده، که مهمترین آن، همان شناخت حقایق و عظمت پروردگار است) نیافریده است و برای تمام آنها اجل تعیین شده ای مقرر گردانیده و با این حال بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان بکلی غافل و بی باورند.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این زمینه می فرماید؛ کسی که از راه علم تشریح و بدن شناسی به آفریدگار بدن پی می برد او سیر در آیات آفاق دارد نه آیات انفسی؛ ولی اگر انسان اوصاف نفسانی و روح خود را بنگرد، در این صورت این سیر، سیر انفسی است. سیر انفسی معنایی دقیقتر از این هم دارد که انسان وقتی به آن معنای دقیق

کند و همانا بسیاری از مردمان (از مسیر هدایت و سعادت‌مندی به خاطر این ندانم کاریها و نافرمانی هایشان) منحرف و خارجند.

فضیلت صبر بر بیماری: در گزاره های دینی؛ فضیلتی که برای صبر آمده است تنها برای تأثیر آن در حل دشواری های زندگی نیست بلکه برای صبغه توحیدی آن است. لذا گفته شده که چنین وصف بلندی بدون داشتن قلبی خاشع ممکن نیست (۲۴). همچنین صبر را جزو عزم الامور دانسته اند؛ یعنی از اموری است که انسان باید درباره آن تصمیم بگیرد و بدون عزم جدی نمی توان به آن نایل آمد. به عبارت دیگر؛ بعضی از امور به آسانی قابل حل است، اما بعضی از امور الثفات، عزم، مراقبت و محاسبت بیشتر و دایمی را می طلبد، تا انسان به هدفی که دارد موفق شود. مثلا صبر و مقاومت در برابر رویدادهای تلخ، در فراز و نشیب آزمون و... از عزم الامور است یعنی انسان باید درباره آنها مصمم باشد. و اگر مسولیتی را در اینگونه امور پذیرفت تا لحظه آخر از انجام آن کوتاهی نکند (۲۵). از این دست روایات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

قال رسول الله (ص): «عَجَبْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ جَزَعَهُ مِنَ السُّقْمِ وَ لَوْ يَعْلَمُ مَا لَهُ فِي السُّقْمِ مِنَ الثَّوَابِ لَأَحَبَّ أَنْ لَا يَزَالَ سَقِيمًا حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (۲۶). در شگفتم از مؤمن و جزع و بی تابیش از بیماری، اگر می دانست در ناخوشی نزد خدا چه اجری دارد دوست داشت همیشه دردمند باشد تا این که به لقاء پروردگارش برسد. قال رسول الله (ص): «یا علی! انین المؤمن المریض تسبیح و صیاحه تهلیل و نومه علی الفراش عباده و قلبه من جنب الی جنب جهاد فی سبیل الله فان عوفی مشی فی الناس و ما علیه ذنب» (۲۷). ای علی جان! ناله مؤمن مریض و بیمار تسبیح خداوند است و صیحه و فریادش تهلیل خداوند (لا اله الا الله) است و خوابش در بستر عبادت است و پهلو به پهلو شدنش (به خاطر درد و بی تابی) جهاد در راه خداست پس هرگاه عافیت و بهبود یافت و در بین مردم به راه افتاد گویی گناهی بر او نیست.

و اما از جمله آیات قرآنی که به این مقوله پرداخته است، می توان به موارد ذیل اشاره کرد: «لتبلون فی اموالکم و انفسکم ... و ان تصبروا و تقوا فان ذلک من عزم الامور» (اعراف/۱۸۶). اموال و جانهای شما (ایمان شما) در معرض ابتلاء و آزمون الهی است و اگر در این صحنه ها صبور و باوقار و خودنگهدار باشید (و از جزع و فزع و رفتار و گفتار نابجا و نابخردانه اجتناب کنید). البته بایستی که متوجه باشید این کار شما نشانه قوت و عزم اراده شما خواهد بود.

«وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِسَيِّئِ مَنِ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْاَمْوَالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِیْنَ الَّذِیْنَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیْبَةٌ قَالُوْا اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ. اُولٰئِكَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ اُولٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُوْنَ» (بقره/۱۵۴-۱۵۷). و به حقیقت که ما (ایمان) شما را به هر چیزی اعم از ترس و گرسنگی و نقصان مال و جان و فرزندان

آمرزیده زندگی می کند. «لَلْمَرِیْضِ اَرْبَعُ خِصَالٍ يُرْفَعُ عَنْهُ اَلْقَلَمُ وَ یَأْمُرُ اللّٰهُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِکِتْبِ لَهٗ فَضْلًا کَانَ یَعْمَلُهٗ فِیْ صِحَّتهٖ وَ یَنْبِغُ مَرَضُهٗ کُلُّ غَضُوْۤوٍ فِیْ جَسَدِهٖ فِیَسْتَخْرِجُ ذَنْبُهٗ مِنْهُ فَاِنْ مَاتَ مَغْفُوْرًا لَهٗ وَ اِنْ عَاشَ غَاشَ مَغْفُوْرًا لَهٗ» (۲۲).

در آیات قرآن نیز به این مسئله بطور مبسوطی پرداخته شده است. به عنوان نمونه خداوند بیان می کند: «وَبَلَّوْنَاھُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّیِّئَاتِ. لَعَلَّھُمْ یَرْجِعُوْنَ» (اعراف/۱۶۸). و ما آن مردمان را به انواعی از فتنه های خوب و بد مبتلا و آزمون نمودیم تا مگر با حالت تذکر و توبه به سوی ما بازگردند. و یا می فرماید: «وَتَبَّلُوْکُمْ بِالْشَّرِّ وَ الْخَبْرِ فِتْنَةً وَ اِنَّا لَنَّا تَرْجِعُوْنَ» (انبیاء/۳۵). و ما شما را به انواع مصائب بد و ناگوار (مثل بیماری و فقر) و یا خوب و گوارا به منظور آزمون مبتلا می کنیم. تا اینکه متوجه شوید، بازگشت شما بازهم در نهایت به درب خانه رحمت ماست. «وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰی اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِکَ فَاَخَذْنَاھُمْ بِالْبَاسِ اِیَّاهُمْ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّھُمْ یَتَضَرَّعُوْنَ» (انعام/۴۲). و به تحقیق که ما فرستادگانی برای امم پیش از تو فرستادیم و آنگاه آنها را به بلاهایی همچون فقر و بیماری مبتلا ساختیم تا بلکه به درگاه خدایشان روی آورند و متضرع بارگاه قدسی او گردند.

بایستی توجه داشت؛ دسته از امراض و مصائب هستند که شخصا و مستقیما خود انسان مسبب آنها است و ناشی از افراط و تفریط و یا جهالت او می باشد. به عنوان نمونه؛ امام صادق (ع) می فرماید: «أَمَّا اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ عَرَقٍ یُّصْرَبُ وَ لَا نِکْبَهٍ وَ لَا صُدَاعٍ وَ لَا مَرَضٍ اِلَّا یَذْنِبُ وَ مَا یَعْفُو اللّٰهُ اَکْثَرَ مِمَّا یُؤَاخِذُ بِهِ». هیچ رنگی (از بیماری) و بدبختی یا سردرد و مریضی عارض بر انسان نشود مگر به جهت گناه و سرپیچی (از قوانین الهی حاکم بر خلقت). علی حالین آنچه که خداوند از آن می گذرد نسبت به آنچه مؤاخذه می کند بسیار بیشتر است. و یا امام رضا (ع) بیان می کنند: «کُلَّمَا اَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذَّنُوْبِ مَا لَمْ یَكُوْنُوْا یَعْلَمُوْنَ اِحْدَثَ اللّٰهِ لَھُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ یَكُوْنُوْا یَعْرِفُوْنَ» (۲۳). هرگاه بندگان معاصی و سرپیچی هائی را که سابقه نداشته (و گناه تازه است) مرتکب شوند خداوند برای آنها امراض و بلاهائی را که سابقه نداشته ایجاد می کند.

در آیات قرآن نیز به مهم توجه شده لذا می فرماید: «مَا اَصَابَکُمْ مِنْ مُّصِیْبَةٍ فَمَا کَسَبَتْ اَیْدِیْکُمْ وَ یَعْفُو عَنْ کَثِیْرٍ» (شوری/۳۰). و آنچه که از مصیبتها (گرفتاری و دردمندیها) به شما می رسد ساخته و پرداخته اعمال (جاهلانه و نادرست) خود شماست. ولی با این حال، باز خداوند به میزان زیادی از شما می گذرد. (و شما را باز خواست و عقوبت نمی کند). و یا در جای دیگر بیان می کند: «فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُ اَنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ اَنْ یُّصِیْبَھُمْ بِبَعْضِ ذُنُوْبِھُمْ وَ اِنَّ کَثِیْرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُوْنَ» (مائده/۴۹). پس اگر مردم (از مسیر حق) روی برگردانند، بدان که خداوند اراده کرده آنها را بخاطر برخی از سرپیچی ها و تخلفاتشان (نسبت به قوانین حاکم بر نظام آفرینش) به مصائب و دردمندیها مبتلا

عصاره و خلاصه تمام فضایل و پرهیز از هرگونه رذیلت است (۳۱) و متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیبهای درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (۳۲). آثار و خواص ویژه تقوا و پروا پیشگی موجب شد که این عنصر با ارزش مورد اهتمام جدی قرآن کریم و ائمه معصومین (ع) قرار گیرد. طوریکه آثار و برکات فراوانی برای فرد با تقوا ذکر گردیده است. به عنوان مثال؛ بهره برداری از هدایت کتب آسمانی، سرانجام نیک، محبوب خداوند شدن، گشایش امور و وسعت روزی، بینش صحیح در تشخیص حق و باطل، تکفیر سیئات، غفران گناهان، قبولی اعمال، درمان دردهای درونی، صحت و سلامتی و بالاخره رضایت الهی و نیز خیرات و برکات فراوان دیگری به داراییان صفت تقوی نسبت داده شده است (۳۳). به همین دلیل انبیاء، تقوا را سرلوحه مکتب توحیدی خویش قرار دادند و سپس مسایل اخلاقی دیگر را بر اساس آن بنا نهادند. و آیه: «افمن أسس بنيانه على تقوى من الله» (توبه/۱۰۹) شاهد بر این مدعا است. بنابراین دعوت به تقوا در طلیعه هدایت‌های تمامی انبیاء است (۳۴). چراکه؛ بهره مند از تقوای الهی، توانگر واقعی است که «نام خدا» دوی او، «یاد خدا» شفايش و «طاعت خدا» غنای اوست. از این رو هرگز در راه نمی ماند، زیرا این ره توشه جاودانه است و تا پایان راه وی را همراهی می کند و به لقای حق رهنمون می سازد (۳۵).

در این زمینه امیرالمؤمنین (ع) بیان می کنند: «فإنَّ التَّقْوَى اللهُ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ وَ بَصَرٌ عَمَى أَفْتَدِيكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فِسادِ صُدُورِكُمْ وَ طَهْوَرُ دُنُسِ أَنْفُسِكُمْ، وَ جَلَاءٌ عِشَاءِ أَبْصَارِكُمْ وَ أَمِنْ فَرْعُ جَأَشِكُمْ وَ ضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ». همانا پرهیزکاری دوی درمندی قلبها، بینایی کوری دلها، شفای امراض پیکرها، برطرف کننده تباهی سینه ها، پاک کننده آلودگی جانها، روشنی بخش تاریکی دیدگان، ایمنی بخش ناراحتی و اضطرابها و روشنگر سیاهی تیرگی های شماست. و در جای دیگر می فرمایند: «إِلَّا وَ إِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ» (۳۶) آگاه باش که پرهیزکاری از اسباب حصول سلامتی بدن است.

در آیات قرآن نیز بیش از ۲۰۰ بار از تقوا در قالبهای گوناگون یاد شده است (۳۷). و دستور داده شده که هرچه در توان دارید در تحصیل مراتب تقوی، تلاش کنید. «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن/۱۶). و بیان شده که هرکس پارسایی را پیشه خود کند خداوند کار را برای او آسان می گرداند و نیز راه خارج شدن از مشکلات را برای او نشان می دهد و از جای که گمان ندارد به او روزی می دهد. «و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث یرزقه» (طلاق/۲-۳). «ان تقوا الله يجعل لكم فرقا و یكفر عنكم سيئاتكم و یغفر لكم» (انفال/۲۹). «و من یتق الله یكفر عنه سيئاته و یعظم له اجرا» (طلاق/۵).

متلا و آزمایش می کنیم و بدانید که بشارت و شادباش خداوند بر آن افراد صابری خواهد بود که در صحنه مصیبتها و دردمندیها سیرت عملی «انا لله و انا الیه راجعون» را در خود محفوظ داشته اند. آری! بر آنها صلوات و رحمت از ناحیه پروردگارشان خواهد بود و تنها همین مؤمنین صابر اهل هدایت می باشند.

توضیح این که یک وجه انفس در این آیه می تواند همان ایمان و عقاید افراد باشد چراکه حیات و حقیقت جان هر کسی را ایمان و عقاید او تشکیل می دهد چه این که حقیقت ایمان هر کسی را میزان صبر و استقامت او در مصائب و بلیات تشکیل می دهد (۲۸).

سازش با دردمندی: سازش با درد و مرض به معنای پی گیری و معالجه نکردن درد نمی باشد بلکه به این معناست که؛ اولاً؛ بسیاری از امراض شایع به دلیل ماهیت و شرایط شان نیاز به درمانهای سنگین ندارد و می توان مادامی که درد و رنج آنها برای آدمی قابل تحمل است، با آن کنار آمد و از برخورد افراطی با آنها ممانعت ورزید. ثانیاً؛ جهت معالجه هر دردی ابتدائاً بایستی با یک طیب حاذق و معتمد مشورت شود و آنگاه در صورت نیاز دارو مصرف نمود و از مصرف خودسرانه مسکن و یا سایر داروها پرهیز نمود. از امام صادق (ع) در این خصوص منقولست که: «تَجَنَّبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ فَإِذَا لَمْ يَحْتَمِلْ الدَّاءَ فَالدَّوَاءَ» (۲۹). مادامی که بدنت درد را تحمل می کند از درمان آن اجتناب کن ولی چنانچه دیگر دیدی تاب و تحمل درد را نداری آنگاه به درمان آن مبادرت بورز. امیرالمؤمنین (ع) نیز بیان می کنند: «إِشْ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ». با درد و بیماری خود مدارا کن مادامی که آن هم با بدن تو سرسازگاری دارد. (و در این باره معتدل و میانه رو باش). «رَبِّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً» (۳۰). چه بسا که دارو مایه بیماری شود و درد خود داروی نجاتبخش باشد.

در قرآن مجید این مسئله به طور کلی و عموم و در قالب آیات فراوانی که ما را سفارش به میانه روی و رعایت حد اعتدال در کلیه مسائل روزمره و حالات زندگی می کند، بازگو شده است. از آن جمله آیات، در حکمت های حضرت لقمان به فرزندش می باشد. آنجا که فرمود «وَأَذِّقْ لِقْمَانَ لَبَنِهِ وَ هُوَ يُعْطُهُ يَا بُنَيَّ... وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ... وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكَ...» (لقمان/۱۷، ۱۸، ۱۹). (و یاد کن) وقتی را که لقمان حکیم در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت ای پسر عزیزم! نسبت به مصائب و گرفتاریهای روزگار بردبار باش و نیز در شیوه برخوردت (نسبت به مسائل زندگی) میانه رو و متعادل باش. همچنین در ضمن آیات دیگر بیان شده که: «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (نحل/۹۰). (در مسائل زندگی) همیشه جانب اعتدال و میانه روی را برگزینید. زیرا آن به تقوا - که تنها راه رسیدن به فلاح، نجات و سلامتی است - نزدیکتر است.

اهمیت و نقش تقوی در مقابله با بیماری ها: در فرهنگ دین، تقوا،

اهمیت و نقش نیایش، دعا در مقابله با بیماری ها: دین که مجموعه عقاید، اخلاق، احکام و حقوق است هنگامی استوار می‌شود و در موقع اجرا پشتوانه خواهد داشت که متدین به آن اهل نیایش باشد، زیرا پیوند با خدا عواملی دارد که دعا از محکم‌ترین آنهاست و همین خواندن خدا و خواستن از وی و پیراستن از غیر او جهان را از منظر داعی روشن کرده و نیز مایه نورانی بودن خود آسمان و زمین هم خواهد بود. مزید بر این، با دعا می‌توان بر کمیت و نیز بر کیفیت رزق افزود، به ویژه رزقهای معنوی مانند حکمت، فقه، اخلاق و غفلت از دعا و نیز اطمینان به خویش هلاکت‌بار است و فرجامی تلخ همانند پایان مشوم قارون را دربردارد. غرض آنکه تأمین روزی انسان از جایی که گمان نمی‌برد می‌تواند برای تشویق او به توجه به جهان غیب بوده تا به عالم شهادت به اندازه عالم غیب اعتماد نکند. همچنین، براساس توحید افعالی انسان در همه امور مادی و معنوی خود محتاج است و هیچ موجودی در هیچ وضع و حالی در تأثیر مستقل نیست. این بینش توحیدی ایجاب می‌کند که موحد کامل، در ظلّ تعلیم وحیانی خود همه چیز را از خداوند بخواهد، گرچه خدای سبحان براساس نظم علی و معلولی جهان را تدبیر می‌کند (۳۸). نتیجه این که چون حکمت دعا همان روح دعا است لذا داعی بایستی خود را در مشهد و منظر مدعو بداند و او را که خدای سبحان است، شاهد خویش کند. شاهدی که با این مشهود پیوند دیگری برقرار می‌سازد (۳۹).

در این خصوص از امام صادق (ع) منقولست: «عَلَيْكَ بِالِدَعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ». بر تو باد به خواندن و خواستن از خداوند؛ زیرا که در این عمل، اسباب بهبودی از هر درد و بیماری موجود است. و در حدیث دیگر بیان شده که: عن ابی الحسن (ع) قال کان علی بن الحسن (ع) یقول «الدعا یدفع البلاء النازل و ما لم ینزل». دعا بلایی را که نازل شده و آنچه را که نازل نشده دفع می‌کند. قال امیرالمؤمنین (ع): «الدعا مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح و خیر الدعا ما صدر عن صدر نقی و قلب تقی» (۴۰). دعا کلیدهای نجات و گشایش و گنجینه‌های فلاح و رستگاری است و بهترین دعا آن است که از سینه پاک و دل پرهیزکار برآید.

در آیات قرآن نیز خداوند ضمن اینکه بیان می‌کند، اصل دعا منشأ اثر است؛ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶). همگان را به دعا تشویق می‌کند. «ادعونی أستجب لکم» (غافر/۶۰)، «وادعوه خوفاً وطمعاً» (اعراف/۵۶). هرچند گاه با لسان تهدید آمیز ذکر می‌کند؛ نیایش‌گريزان را ارزشی نیست و خداوند به آنان نظر خاص تشریفی ندارد و آنها از این فیض بی‌بهره‌اند؛ «قُلْ مَا يَعْزُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ» (فرقان/۷۷). بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من چه اعتنا به شما می‌کند.

استغفار: کاربرد غفران و مغفرت بیشتر درمحو آثار گناهان و معاصی است (۴۱). بنابراین «استغفار» که در لغت به معنای طلب بخشایش و آمرزش است؛ به عنوان محافظ و سرپوشی برای عواقب و آثار سوء معاصی بر جسم و جان درنظر گرفته می‌شود. و در مباحث معرفتی به عنوان درجه ای از درجات علین بشمار می‌رود. در این باره در کتاب نهج البلاغه از قول امیر المؤمنین (ع) آمده است که: گوینده ای در محضر حضرت امیر (ع) گفت: «استغفرالله». سپس امام به او فرمود: مادرت در عزایت گریه کند. آیا می‌دانی چیست استغفار؟ همانا استغفار درجه «علین» است و آن اسمی است که واقع می‌شود بر شش معنی. اول آنها پشیمانی بر گذشته است. دوم عزم بر برگشت نمودن است به سوی آن بطور همیشگی. سوم ادا کنی به سوی مخلوق حق آنها را تا ملاقات کنی خدای سبحان را پاکیزه، که نبوده باشد بر تودنباله ای (یعنی حقی از کسی به عهده تو نباشد) چهارم آن که روی آوری به سوی هر فریضه ای که بر تو است که ضایع کردی آن را، پس ادا کنی حق آن را. پنجم روی آوری به سوی گوشتی که رویده شده بر حرام، پس آب کنی آن را به اندوهها تا بجسید گوشت به استخوان و رویده شود بین آنها گوشت تازه. ششم آن که بچشانی جسم را درد فرمانبرداری، چنانچه چشاندی آن راشیرینی نافرمانی! (۴۲) در حدیث دیگری امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اکثروا الاستغفار فانه یجلب الرزق» (۴۳) زیاد استغفار کنید زیرا آن باعث جلب رزق می‌شود. رسول اکرم (ص) نیز بیان می‌کنند: «خیر العبادة الاستغفار» (۴۴) بهترین عبادت و بندگی، طلب مغفرت الهی است. «ان التوبه من الذنوب و الاستغفار یدفع الامراض و البلیا...» (۴۵) براستی که توبه از گناهان و طلب آمرزش از خداوند، دافع بیماریها و گرفتاریها است.

در آیات قرآن نیز خداوند ضمن بیان اهمیت مسئله؛ می‌فرماید: مادامی که مردم اهل استغفار و توبه باشند آنها را به عذاب و عقوت (اعم از دنیوی و یا اخروی) دچار نمی‌سازد «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳). و در ادامه با ذکر آثار و برکات مادی و معنوی استغفار از لسان پیامبرانش؛ همگان را به انجام آن فرا می‌خواند: «وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ...» (هود/۵۲). به سوی پروردگارتان طلب آمرزش و پناهندگی کنید و سپس به سوی او بازگردید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید. «- وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ» (هود/۳). (ای بندگان خدا) اگر طلب مغفرت و آمرزش الهی کنید و به سوی او توبه کنید شما را تا هنگام اجل تعیین شده از کالای نیکویی بهره مند می‌کند ضمن این که به هر صاحب فضیلتی، تفضلی دیگر عنایت می‌کند.

بحث

در این مقاله گزیده ای از آموزه هایی وحیانی یا نقلی دینی (آیات قرآن و روایات معتبر معصومین(ع)) - در خصوص مقولاتی همچون؛ شناخت صحیح انسان، فلسفه بیماری و بلاها، فضیلت صبر بر بیماری، سازش با دردمندی، تقویت روحیه تقوی و پرهیزکاری، نیایش، دعا و استغفار، ذکر و مورد بررسی قرار گرفت. معرفت و علم به این آموزه ها و اعتقاد در عمل به انجام و بکار گیری آنها بویژه در شرایط سخت می تواند ضمن تقویت نگاه جهان بینی الهی و جلب توجه همه انسان ها به فلسفه مبدا و معاد، بطور موثری بر میزان تاب آوری بیماران صعب العلاج و خانواده های ایشان نیز اثر گذار باشد. زیرا مطالعات نشان می دهد که به طور کلی دین با رفاه بیشتر، بهبود مقابله با استرس و سلامت بهتر روان، مرتبط است. این رابطه با سلامت روانی، پیامدهای سلامت جسمی را در پی دارد. همچنین، آموزه های دینی، تصمیم گیری در مورد سلامت و رفتارهای بهداشتی را تحت تاثیر قرار می دهد. از طرفی هم پژوهش های کمی و هم کیفی نشان می دهد که رعایت عوامل معنوی برای مقابله و تعامل بهتر با سختی، اعم از سختی های خارجی (شرایط زیست محیطی دشوار) یا سختی های داخلی (استعداد ژنتیکی یا آسیب پذیری به اختلالات روانی) به مردم کمک می کند (۴۶).

عوامل معنوی از طریق کاهش استرس و احساسات منفی، افزایش حمایت اجتماعی و رفتارهای بهداشتی مؤثر مثبت، می تواند تاثیر مطلوبی در پاسخ به درمان کسانی که بیمار و مبتلا به بیماری های فیزیکی اند، داشته باشد. در بین این پژوهش ها، گزارش های توصیفی مبنی بر اینکه چگونه رعایت عوامل معنوی به مردم برای مقابله با طیف گسترده ای از بیماریها یا موقعیت های استرس زای متنوع، کمک کرده، وجود دارد. این ها عبارتند از: تعامل مردم در برخورد با بیماری های عمومی پزشکی، درد های مزمن، بیماری کلیوی، دیابت، بیماری های ریوی، سرطان، اختلالات خونی، بیماری های قلبی و عروقی، دندان، یا مشکلات بینایی، اختلالات عصبی، HIV و ایدز، لوپوس، سندرم روده تحریک پذیر، بیماری های اسکلتی-عضلانی، بار پرستار، بیماری روانی، سوگ، مسائل پایان زندگی، به طور کلی استرس، بلایای طبیعی، جنگ یا اعمال تروریسم و شرایط زندگی نامطلوب دیگر. در اکثریت قریب به اتفاق مبتلایان در این مطالعات، مردم گزارش کردند که معنویت مفید بوده است (۴۷).

دلایل عملی بسیاری وجود دارد که چرا پرداختن به مسائل معنوی و بهره گیری از آن در عمل بالینی بویژه در مقوله طب تسکینی مهم است؛ هشت دلیل عمده در ذیل ذکر شده است؛ (۱) بسیاری از بیماران، دیندار هستند. و نیازهای معنوی مربوط به بیماری پزشکی یا روان پزشکی دارند. مطالعات بر روی بیماران طبی و روانی و کسانی که مبتلا به بیماری های ترمینال هستند، گزارش می کنند که اکثریت

قریب به اتفاق، چنین نیازهایی را دارند و بسیاری از این نیازها در حال حاضر برآورده نشده است. (۲) رعایت عوامل معنوی توانایی بیمار برای مقابله با بیماری را تحت تاثیر قرار می دهد. در برخی از مناطق کشور آمریکا، ۹۰ درصد از بیماران بستری، مذهب را جهت قادر ساختن به تقابل با بیماریشان بکار می برند و بیش از ۴۰ درصد استفاده از آن را بعنوان رفتار مقابله ای اولیه شان نشان می دهند. مقابله ضعیف اثرات سوئی بر نتایج پزشکی، هم از نظر طول بستری و هم از نظر افزایش مرگ و میر داشته است. (۳) اعتقادات معنوی، تصمیم گیری های پزشکی بیماران را - که ممکن است در تضاد با درمان های پزشکی باشد- تحت تاثیر قرار می دهد، و می تواند انطباق با این درمان ها را تحت تاثیر قرار دهد. مطالعات نشان داده که اعتقادات معنوی تصمیمات پزشکی را در بین کسانی که مبتلا به بیماری پزشکی جدی بوده اند، تحت تاثیر گذاشته است. به ویژه در میان کسانی که مبتلا به سرطان پیشرفته یا HIV و ایدز بوده اند. (۴) خود اعتقادات دینی و معنوی پزشکان، اغلب تصمیمات پزشکی را که آنها بکار بسته اند و نوع مراقبت پیشنهاد شده آنها به بیماران را، تحت تاثیر قرار می دهد. از جمله تصمیم گیری در مورد استفاده از داروهای ضد درد، سقط جنین، واکسن و پیشگیری از بارداری تحت تاثیر قرار می دهد. (۵) رعایت عوامل معنوی با سلامت روانی و جسمانی همراهی و مشارکت دارد و به احتمال زیاد نتایج پزشکی را تحت تاثیر می گذارد. (۶) رعایت عوامل معنوی، نوع حمایت و مراقبتی را که بیماران دریافت می کنند، در هنگامی که آنها به خانه بر می گردند، تحت تاثیر قرار می دهد. (۷) تحقیقات نشان می دهد که بی کفایتی در پرداختن به نیازهای معنوی بیماران، هزینه های مراقبت های بهداشتی را، به خصوص در زمان پایان عمر افزایش می دهد. (۸) در نهایت، استانداردهایی توسط کمیسیون مشترک اعتبار بخشی رسمی نهادهای بیمارستانی (JCAHO) ارائه شده و از Medicare (بیمه درمانی ملی دولتی در ایالات متحده) خواسته شده که در خدمات ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی، احترام به ارزش های شخصی و فرهنگی بیماران، عقاید و اولویتها (از جمله باورهای مذهبی و معنوی) نشان داده شود (۴۸).

بنابراین مشاوران معنوی و پزشکان، بویژه افراد شاغل در طب تسکینی، علاوه بر پرداختن به رنج جسمی، می توانند مراقبت های خود را با تصدیق و کاوش در رنج های روانی، اجتماعی، وجودی یا معنوی گسترش دهند. از آنجایی که بیماران در تلاش برای یافتن بسته حمایتی در زندگی خود هستند، گوش دادن فعال و همدلی به خودی خود نیز دارای ارزش درمانی است (۴۹).

نتیجه گیری

آموزه هایی وحیانی فراوانی در خصوص مسائل مختلفی همچون؛ شناخت صحیح انسان، فلسفه بیماری و بلاها، فضیلت صبر بر بیماری،

مشاوران معنوی و انتقال منطقی و صحیح این مفاهیم به بیماران و خانواده‌های آنها، بر سطح تاب‌آوری و بهبود کیفیت زندگی ایشان تاثیر گذاشت.

سازش با دردمندی، تقویت روحیه تقوی و پرهیزکاری، استفاده از نیایش، دعا و استغفار و توجه به مبدا و معاد وجود دارد که می‌توان با معرفت‌افزایی و آموزش آنها به شاغلین حوزه طب تسکینی بویژه

References

- World Health Organization. Palliative care 2002. Available online: www.who.int/cancer/palliative/definition/en/
- Oliver DJ. Improving patient outcomes through palliative care integration in other specialized health services: what we have learned so far and how can we improve? *Annals of Palliative Medicine*. 2018 Oct 3; 7(S3):S219-30.
- <http://www.npcrc.org/content/15/About-Palliative-Care.aspx>
- Morrison RS, Meier DE. Palliative care. *New England Journal of Medicine*. 2004 Jun 17; 350(25):2582-90.
- <http://www.npcrc.org/content/15/About-Palliative-Care.aspx>
- Oliver DJ. Improving patient outcomes through palliative care integration in other specialized health services: what we have learned so far and how can we improve? *Annals of Palliative Medicine*. 2018 Oct 3; 7(S3):S219-30.
- <https://www.capc.org/the-case-for-palliative-care/The Value of Palliative Care>
- <http://www.npcrc.org/content/15/About-Palliative-Care.aspx?what is Palliative Care?>
- World Health Organization. Palliative care.p.5,27
- Javadi Amoli A. Tasnim* Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 32, Isra Publishing Center, first edition, spring 2013. P. 650.
- Javadi Amoli A. Islam and environment, Esra publishing center, first edition, 2016. P. 70.
- Amadi A. Ghorr al-Hekam and Dorr al-Kalam. Translation: Mohammad Ali Ansari. Imam Asr's publication. First Edition. Winter 1380. Hadith 10484.
- Kashani F. Tafsir al-Sadiqin's method in the obligation of the opponents. Volume 8. P. 200. <https://lib.eshia.ir/11699/8/200>.
- Javadi Amoli A. Wise Qur'an from the perspective of Imam Reza (a.s.). Translator: Zeinab Karbalai. Isra Publishing Center. First edition, April 1382. P. 200, 213.
- Javadi Amoli A. Thematic Tafsir of the Holy Qur'an (Vol. 11). Stages of ethics in the Qur'an. Isra Publishing Center. Third edition. Winter 1379. p. 274.
- Javadi Ameli A. Human to human interpretation. Isra Publishing Center. Second edition. October 1385. P. 216.
- Javadi Ameli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Quran. Volume 7. Isra Publishing Center. Second edition, November 1385. P. 632.
- Al-Hali JF. Oddat al-Da'i and Najah al-Sa'i. Research: Institute of Islamic Education. Qom. Second edition, 1425. P. 115.
- Majidi G. Nahj al-Fasaha al-Hawi, the speaker of the Messenger of Allah. Ansarian Institute. First edition, 1379. Hadith 720.
- Majlesi MB. Helyet Al-Mutaqeen. Nas Publications. First edition, spring 1372. Chapter 9, Chapter 1.
- Payandeh A. Nahj al-Fasaha. Jurisprudence school library. Volume 1. P. 179. <https://lib.eshia.ir/10374/1/179>.
- Mohammadi Reyshahri M. Excerpts from the wisdom of the Prophet (s). Volume 1. P. 1002. https://lib.eshia.ir/27281/1/1002#_ftnref2.
- Kolayni M. Al-Osol of Kafi, vol. 3. Translation and description: Seyyedjavad Mostafavi. Islamic Scientific Publications. P. 375, 378.
- Javadi Amoli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 4. Isra Publishing Center. First edition, September 1380. pp. 162,163.
- Javadi Ameli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 7. Isra Publishing Center. Second edition, November 1385. P. 490,398.
- Babouyeh Qomi (Sheikh Sadouq) m. Al-Amali and Majals. Translation: Ayatollah Kamrei. Kitabchi Publications. 6th edition, autumn 1376. P. 501.
- Al-Tabarsi h. Makarem al-Akhlaq. Qom. Sharif Razi Publications. 1370. P. 509.
- Javadi Amoli A. Thematic Tafsir of the Holy Qur'an (Vol. 11). Stages of ethics in the Qur'an. Isra Publishing Center. Third edition, winter 1379. pp. 228-232.
- Nouri Tabarsi h. Mostardak al-Wasael and Mostanbat al-Masel, Volume 1. Research and publication: Alolbeyt Institute for Living Tradition, Qom. The first edition, 1408 AH. , P. 630.
- Seyed Razi M. Nahj al-Balagha. Translator: Mohammad Dashti. Amir Al Mominin Cultural Research Institute. Second edition, winter 1381. Wisdom 27 and letter 31.
- Javadi Amoli A. Adab Fanai Moqrabban (Description of the Pilgrimage of the Great Society), Volume 1. Isra Publishing Center. Second edition, Azar 1381. pp. 392-397.
- Javadi Ameli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 2. Isra publishing center. First edition, fall 1978. pp. 132-133.
- Javadi Amoli A. Adab Fanai Moqrabban (Description of the Pilgrimage of the Great Society), Volume 1. Isra Publishing Center. Second edition, November 2011. P. 398, 401, 420.
- Javadi Amoli A. Thematic Tafsir of the Holy Quran, Volume 7. Raja Cultural Publishing Center. First edition 1373. P. 389.
- Javadi Amoli A. Thematic interpretation of the Holy Qur'an (Vol. 10), the principles of ethics in the Qur'an. Isra Publishing Center. Fifth edition, October 2015. P. 103.
- Seyed Razi M. Nahj al-Balagha. Translator: Mohammad Dashti. Amir Al Mominin Cultural Research Institute. Second edition, winter 1381. Sermon 198 and Wisdom 388.
- Zarvandi M. The moral strategy of religion in AIDS. Quds newspaper. December 21, 2013.
- Javadi Amoli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 9.

- Isra Publishing Center. First edition, June 1385. pp. 434-437.
39. Javadi Amoli A. Hikmat Ibadat, Isra Publishing Center, 4th edition, fall 2010, p. 236.
40. Kolayni M. The basics of Kafi. Translation and explanation: Seyyedjavad Mostafavi. Islamic Scientific Publications, Vol. 4, pp. 217-214.
41. Javadi Amoli A. Tasnim * Tafsir of the Holy Qur'an, volume 8. Isra Publishing Center. First edition, April 1385. P. 616.
42. Seyed Razi M. Nahj al-Balagha. Translator: Mohammad Dashti. Amir Al Mominin Cultural Research Institute. Second edition, winter 1381. p. 1271. Wisdom 409.
43. Harani H. Tohf al-Aqool from the Ale Messenger. Correction and commentary: Ali Akbar al-Ghafari. Islamic publications. Third edition, October 1366. P. 99.
44. Majidi G. Nahj al-Fasaha al-Hawi, the speaker of the Messenger of Allah. Ansarian Institute. First edition, 1379.
- <https://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/25015204>.
45. Bastam A and H. Medicine of Al-Aemah. Sharif Razi Publications. Qom, 1411 A.H., p. 301.
46. Koenig, Harold G. "Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications." International Scholarly Research Notices 2012 (2012).
47. Zarvandi M. Prayer therapy from the perspective of Islamic medicine. Mashhad. Rahe Roshan Publications. First edition 2015. P. 33.
48. Koenig, Harold G. "Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications." International Scholarly Research Notices 2012 (2012).
49. Lo B, Quill T, Tulskey J, ACP-ASIM End-of-Life Care Consensus Panel. Discussing palliative care with patients. Annals of Internal Medicine. 1999 May 4; 130(9):744-9.